



جنبش‌های اجتماعی با تطبیق بر جنبش زنان

دکتر مجید کافی
فاطمه سادات حسینی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
پاییز ۱۴۰۴

کافی، مجید، ۱۳۴۴ - جنبش‌های اجتماعی با تطبیق بر جنبش زنان / مجید کافی، فاطمه سادات حسینی؛ ویراستار معصومه شجاعی. -- قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۴. چهارده، ۳۳۸ص. _ (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۹۴؛ جامعه‌شناسی: ۶۱) بها: ۴۵۰۰۰۰ ریال
ISBN: 978-600-298-588-0
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا. کتابنامه. ص. [۳۱۳] - ۳۳۸.
۱. جنبش‌های اجتماعی. ۲. Social movements -- History. ۳. جنبش‌های اجتماعی -- تاریخ. ۴. Social movements -- History. ۵. زنان -- فعالیت‌های سیاسی -- تاریخ. ۶. Women -- Political activity -- History. ۷. جنبش‌های اجتماعی -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴. ۸. Social movements -- Iran -- History -- 21st century. ۹. زنان -- ایران -- فعالیت‌های سیاسی -- قرن ۱۴. ۱۰. Women -- Political activity -- Iran -- 20th century. الف. حسینی، فاطمه سادات، ۱۳۶۶ شهریور. ب. شجاعی، معصومه، ۱۳۵۵ -، ویراستار. ج. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
HMA81 ۳۰۳/۴۸۴
شماره کتابشناسی ملی ۱۰۲۸۰۰۵۰



جنبش‌های اجتماعی با تطبیق بر جنبش زنان

مؤلفان: دکتر مجید کافی، فاطمه سادات حسینی

ویراستار: معصومه شجاعی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۴

تعداد: ۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۴۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۸۸-۰

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: <https://shop.rihu.ac.ir>

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۹۰ عنوان کتاب و ۹ نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به‌عنوان منبع درسی برای دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد در رشته «مطالعات زنان، خانواده، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی» تألیف شده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلفان محترم اثر، دکتر مجید کافی و دکتر فاطمه‌السادات حسینی و نیز از ارزیاب محترم، حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر حسین بستان (نجفی) سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم

اهداف آموزشی.....	۱
۱. کلیات.....	۱
جنبش‌های اجتماعی.....	۵
ویژگی‌ها.....	۶
اهداف مشترک.....	۶
داشتن برنامه‌های اجرایی و خط‌مشی برای تحقق اهداف.....	۷
ایدئولوژی.....	۷
مردمی بودن.....	۷
به‌کارگیری برخی روش‌های غیرنهادینه.....	۷
مراحل.....	۸
۱. مرحله ناآرامی.....	۹
۲. مرحله تحریک و تجمع.....	۹
۳. مرحله تشکیل.....	۹
۴. نهادینه شدن.....	۹
کارکردها.....	۱۰
۲. مفاهیم.....	۱۱
نهاد اجتماعی.....	۱۱
رفتار جمعی.....	۱۲
اعتراض.....	۱۲
اغتشاش.....	۱۳
خشونت.....	۱۳
شورش و خرابکاری.....	۱۴
جنبش.....	۱۴

۱۶انقلاب
۱۷کودتا
۱۸برای مطالعه
۱۸۱. جنبش‌های اجتماعی مبنای شناخت جامعه
۱۸۲. جنبش‌های اجتماعی جدید
۱۹خلاصه بحث
۲۰خودآزمایی
۲۱موضوعاتی برای پژوهش

فصل دوم: جنبش اجتماعی و جنبش سیاسی

۲۳اهداف آموزشی
۲۳مقدمه
۲۳جنبش اجتماعی
۲۶انواع جنبش‌های اجتماعی
۲۶۱. جنبش‌های اجتماعی سازمان‌یافته و خودانگیخته
۲۷۲. جنبش‌های اجتماعی به لحاظ موقعیت و میزان تغییر
۲۷۱-۲. جنبش‌های اجتماعی جایگزین
۲۹۲-۲. جنبش‌های اجتماعی رستگاری‌بخش
۳۰۳-۲. جنبش‌های اجتماعی اصلاح‌گرایانه
۳۱۴-۲. جنبش‌های اجتماعی انقلابی
۳۲۳. جنبش‌های اجتماعی سنتی در برابر جدید
۳۳۴. جنبش‌های اجتماعی با انگیزه اقتصادی
۳۴جنبش سیاسی
۳۶انواع جنبش‌های سیاسی
۳۶۱. جنبش‌های سیاسی به لحاظ ایدئولوژی
۳۶۲. جنبش‌های سیاسی به لحاظ رویکرد
۳۷۳. جنبش‌های سیاسی به لحاظ دامنه تمرکز
۳۸۴. جنبش‌های سیاسی تک‌موضوعی
۳۹۵. جنبش‌های عوام‌گرایانه
۳۹پوپولیسم چپ
۳۹پوپولیسم جناح راست
۳۹پوپولیسم کشاورزی
۳۹تکنوپوپولیسم
۴۰۶. جنبش‌های سیاسی به لحاظ ماهیت مذهبی و سکولار
۴۰مقایسه جنبش‌های اجتماعی و سیاسی

۴۳	برای مطالعه.....
۴۳	۱. تغییر اجتماعی.....
۴۳	۲. تعریف پوپولیسم.....
۴۴	۳. تکنوپوپولیسم.....
۴۵	خلاصه بحث.....
۴۷	خودآزمایی.....
۴۷	موضوعاتی برای پژوهش.....

فصل سوم: نظریه‌های جنبش اجتماعی

۴۹	اهداف آموزشی.....
۴۹	مقدمه.....
۵۱	۱) نظریه‌های سنتی جنبش‌های اجتماعی.....
۵۱	یک) نظریه بسیج منابع.....
۵۲	محورهای نظریه بسیج منابع.....
۵۳	اصول اساسی نظریه بسیج منابع.....
۵۶	تفاوت نظریه بسیج منابع با نظریه‌های ماقبل خود.....
۵۶	۱) منشأ حمایت.....
۵۶	۲) راهبرد و تاکتیک.....
۵۷	۳) ارتباط با جامعه بزرگ‌تر.....
۵۸	دو) نظریه محرومیت.....
۵۹	سه) نظریه رفتار جمعی.....
۶۱	الف) رویکرد اسملسر.....
۶۳	ب) رویکرد ترنر و کیلیان.....
۶۵	۲) نظریه جنبش اجتماعی جدید.....
۶۷	نظریه‌پردازان.....
۶۸	ویژگی‌های نظریه جنبش اجتماعی جدید.....
۶۹	نظریه هویت جمعی.....
۷۱	کارکردهای هویت جمعی در یک جنبش اجتماعی.....
۷۲	برای مطالعه.....
۷۲	الف) عدالت اجتماعی.....
۷۲	ب) مقابله با ظلم و فساد.....
۷۲	ج) مسئولیت جمعی.....
۷۳	اهداف جنبش‌های اسلامی.....
۷۳	الف) ایجاد وحدت و انسجام اجتماعی.....
۷۳	ب) مبارزه با بی‌عدالتی.....

۷۳(ج) گسترش ارزش‌های اخلاقی
۷۳اصول اجرایی جنبش‌های اسلامی
۷۳انواع جنبش‌های اجتماعی در اسلام
۷۴ویژگی‌های جنبش‌های اجتماعی در اسلام
۷۴چالش‌های پیش‌روی جنبش‌های اجتماعی در اسلام
۷۴اهمیت مطالعه جنبش‌های اجتماعی در اسلام
۷۴جنبش اجتماعی در اندیشه شهید مطهری
۷۵خلاصه بحث
۷۸خودآزمایی
۷۸موضوعات بیشتر برای پژوهش

فصل چهارم: تطبیق نظریه‌های جنبش اجتماعی بر جنبش زنان

۷۹اهداف آموزشی
۷۹مقدمه
۸۰(۱) نظریه بسیج منابع
۸۲(۲) نظریه محرومیت
۸۵(۳) نظریه رفتار جمعی
۸۶(۴) نظریه جنبش اجتماعی جدید
۹۰(۵) نظریه هویت جمعی
۹۲برای مطالعه
۹۲۱. فمینیسم به مثابه جنبش اجتماعی
۹۲۲. تبیین جنبش فمینیسم
۹۲۱. نظریه کنش متقابل نمادین (Symbolic Interactionism)
۹۳۲. نظریه تضاد (Conflict Theory)
۹۳۳. نظریه منابع (Resource Mobilization Theory)
۹۳۴. نظریه تغییر اجتماعی (Social Change Theory)
۹۳۵. نظریه فمینیستی (Feminist Theory)
۹۴۶. نظریه جریان‌های اجتماعی (Social Movement Theory)
۹۴خلاصه بحث
۹۵خودآزمایی
۹۵موضوعات بیشتر برای پژوهش

فصل پنجم: نقش مدرنیسم و پست‌مدرنیسم در ظهور فمینیسم

۹۷اهداف آموزشی
۹۷مقدمه

یک) نقش مدرنیسم در ظهور فمینیسم.....	۹۹
(۱) اومانیسم.....	۹۹
(۲) ماتریالیسم.....	۱۰۱
(۳) راسیونالیسم.....	۱۰۲
(۴) لیبرالیسم.....	۱۰۴
دو) نقش پست مدرنیسم در ظهور فمینیسم.....	۱۰۶
(۱) نفی حقیقت مطلق.....	۱۰۸
(۲) نفی روایت‌های کلان.....	۱۰۹
(۳) نفی تفکر دوتایی.....	۱۱۲
(۴) نسبی گرایی.....	۱۱۴
برای مطالعه.....	۱۱۶
مدرنیته و پست مدرنیته.....	۱۱۶
نقد زمینه‌های مدرن و پست مدرن ظهور فمینیسم.....	۱۱۷
خلاصه بحث.....	۱۱۹
خودآزمایی.....	۱۲۱
موضوعات بیشتر برای پژوهش.....	۱۲۱

فصل ششم: زمینه‌های معرفتی - دینی ظهور فمینیسم

اهداف آموزشی.....	۱۲۳
مقدمه.....	۱۲۳
زمینه‌های معرفتی-دینی.....	۱۲۳
(۱) تفوق اندیشه مردسالارانه بر کلیسا.....	۱۲۴
(۲) آموزه‌های عهدین درباره زنان.....	۱۲۵
(۳) اندیشه آبا و الهی دانان مسیحی.....	۱۲۹
(۴) نگاه فیلسوفان و اندیشمندان به زن.....	۱۳۱
خلاصه بحث.....	۱۳۷
برای مطالعه.....	۱۳۹
۱. زمینه‌های معرفتی شکل‌گیری فمینیسم.....	۱۳۹
۲. زن در عهدین.....	۱۴۰
خودآزمایی.....	۱۴۲
موضوعات بیشتر برای پژوهش.....	۱۴۲

فصل هفتم: زمینه‌های اجتماعی ظهور فمینیسم

اهداف آموزشی.....	۱۴۳
مقدمه.....	۱۴۳

۱۴۴	زمینه‌های اجتماعی ظهور فمینیسم در اروپا.....
۱۴۵	الف) وضعیت زنان در روم باستان.....
۱۴۵	ب) وضعیت زنان در یونان باستان.....
۱۴۶	ج) وضعیت زنان در قرون وسطی.....
۱۴۹	د) وضعیت زنان در دوران رنسانس.....
۱۵۱	ه) وضعیت زنان در دوران مدرن.....
۱۵۱	انقلاب فرانسه و تأثیر آن بر وضعیت زنان.....
۱۵۳	انقلاب صنعتی و تأثیر آن بر وضعیت زنان.....
۱۵۴	۲) زمینه‌های اجتماعی ظهور فمینیسم در آمریکا.....
۱۵۸	برای مطالعه.....
۱۵۸	زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری فمینیسم.....
۱۵۹	خلاصه بحث.....
۱۶۰	خودآزمایی.....
۱۶۰	موضوعات بیشتر برای پژوهش.....

فصل هشتم: جامعه‌شناسی تاریخی فمینیسم (امواج)

۱۶۱	اهداف آموزشی.....
۱۶۱	مقدمه.....
۱۶۲	تاریخ فمینیسم.....
۱۶۳	موج اول (۱۸۴۸-۱۹۲۰ م).....
۱۶۳	عوامل شکل‌گیری.....
۱۶۴	الف) جنبش الغای بردگی.....
۱۶۵	ب) ایدئولوژی سوسیالیسم.....
۱۶۷	ج) مذهب.....
۱۶۹	دستاوردهای موج اول.....
۱۶۹	الف) تمرکز بر حق رأی.....
۱۷۱	ب) آغاز همکاری بین‌المللی.....
۱۷۱	ج) دستیابی به فرصت‌های آموزشی.....
۱۷۱	افول موج اول.....
۱۷۳	موج دوم (دهه ۱۹۶۰-۱۹۸۰).....
۱۷۴	عوامل شکل‌گیری.....
۱۷۵	دستاوردهای موج دوم.....
۱۷۶	موج سوم (اواخر دهه ۸۰).....
۱۷۷	عوامل شکل‌گیری.....
۱۷۸	دستاوردها.....

۱۷۹	موج چهارم (آغاز قرن بیست و یکم)
۱۸۰	عوامل شکل‌گیری
۱۸۰	دستاوردها
۱۸۳	برای مطالعه
۱۸۳	اهداف و نقدهای موج‌های فمینیستی
۱۸۵	نقد فمینیسم براساس اندیشه اسلامی
۱۸۷	خلاصه بحث
۱۸۸	خودآزمایی
۱۸۸	موضوعات بیشتر برای پژوهش

فصل نهم: نظریه‌های فمینیستی

۱۸۹	اهداف آموزشی
۱۸۹	مقدمه
۱۹۰	فمینیسم لیبرال
۱۹۳	فمینیسم مارکسیست
۱۹۶	فمینیسم رادیکال
۱۹۸	فمینیسم سوسیالیست
۱۹۹	فمینیسم اگزستانسیالیست
۲۰۰	فمینیسم روانکاوانه
۲۰۲	فمینیسم پست‌مدرن
۲۰۳	فمینیسم اسلامی
۲۰۵	انواع فمینیسم اسلامی
۲۰۷	فمینیسم در کشورهای اسلامی
۲۰۹	نقد فمینیسم اسلامی
۲۱۱	برای مطالعه
۲۱۱	انواع نظریه‌های فمینیستی
۲۱۱	نقد نظریه‌های فمینیستی از منظر اندیشه اسلامی
۲۱۲	خلاصه بحث
۲۱۴	خودآزمایی
۲۱۴	موضوعات بیشتر برای پژوهش

فصل دهم: جنبش فمینیسم غربی

۲۱۵	اهداف آموزشی
۲۱۵	مقدمه
۲۱۷	جنبش زنان در ایالات متحده

۲۲۳	جنیش زنان در کانادا.....
۲۲۶	جنیش زنان در آلمان.....
۲۳۰	جنیش زنان در فنلاند.....
۲۳۲	جنیش زنان در بریتانیا.....
۲۳۵	برای مطالعه.....
۲۳۵	نمونه جنیش های معاصر در ایالات متحده.....
۲۳۵	جنیش MeToo.....
۲۳۵	جنیش Black Lives Matter.....
۲۳۵	جنیش Pay Equity.....
۲۳۵	جنیش انتخاب.....
۲۳۵	جنیش LGBTQ+ Rights.....
۲۳۶	سردرگمی در اردوگاه فمینیسم.....
۲۳۸	خلاصه بحث.....
۲۳۹	خودآزمایی.....
۲۴۰	موضوعات بیشتر برای پژوهش.....

فصل یازدهم: جنیش فمینیسم عربی

۲۴۱	اهداف آموزشی.....
۲۴۱	مقدمه.....
۲۴۳	جنیش زنان در مصر.....
۲۴۵	ابعاد جنیش زنان در مصر.....
۲۴۵	آموزش.....
۲۴۸	حجاب.....
۲۵۰	چالش های سازمان های زنان در مصر.....
۲۵۱	چهره های مدافع زنان در مصر.....
۲۵۳	تاریخ جنیش زنان در تونس.....
۲۵۴	جنیش های زنان تونس در دوران قبل از حکومت بن علی.....
۲۵۵	جنیش های زنان در دوران پس از بن علی.....
۲۵۸	مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان تونس پس از سال ۲۰۱۱.....
۲۶۰	جنیش زنان در مراکش.....
۲۶۲	گروه ها و سازمان های فمینیستی در مراکش.....
۲۶۴	برای مطالعه.....
۲۶۴	فمینیسم عربی.....
۲۶۵	خلاصه بحث.....
۲۶۷	خودآزمایی.....

موضوعات بیشتر برای پژوهش ۲۶۷

فصل دوازدهم: جنبش‌های زنان ایرانی ۱ (دوره پهلوی)

اهداف آموزشی.....	۲۶۹
مقدمه.....	۲۶۹
تشکیل انجمن‌ها، تأسیس مدارس و انتشار نشریات.....	۲۷۱
جنبش زنان در دوران پهلوی اول (سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰).....	۲۷۱
۱) گرایش‌های فمینیسم در دوران پهلوی اول.....	۲۷۳
الف) گرایش سوسیالیستی-مارکسیستی.....	۲۷۳
ب) گرایش لیبرالیستی.....	۲۷۵
۲) جریان‌های فمینیستی در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷ ه.ش).....	۲۷۵
الف) گرایش‌های سوسیالیستی-مارکسیستی.....	۲۷۶
ب) گرایش‌های لیبرالیستی.....	۲۷۷
برای مطالعه.....	۲۸۰
خلاصه بحث.....	۲۸۶
خودآزمایی.....	۲۸۷
موضوعات بیشتر برای پژوهش.....	۲۸۷

فصل سیزدهم: جنبش‌های زنان ایرانی ۲ (پس از انقلاب اسلامی)

اهداف آموزشی.....	۲۸۹
مقدمه.....	۲۸۹
انواع فمینیسم ایرانی.....	۲۹۱
۱) تأکید بر عدم تقابل میان زن و مرد.....	۲۹۱
۲) تأکید بر عدم تفاضل میان زن و مرد.....	۲۹۲
۱-۲) فمینیسم سیاسی (فمینیسم اپوزیسیون).....	۲۹۳
۲-۲) فمینیسم اسلام‌گرا.....	۲۹۴
۳-۲) فمینیسم متجددانه.....	۲۹۵
۱) فمینیسم سکولار.....	۲۹۵
۲) فمینیسم ایرانی-اسلامی (جریان واسطه).....	۲۹۶
۳) فمینیسم جنسیت‌گرا.....	۲۹۷
۴) فمینیسم علم‌گرا.....	۲۹۹
نقد و بررسی فمینیسم ایرانی.....	۲۹۹
برای مطالعه.....	۳۰۲
نقد و بررسی.....	۳۰۸
خلاصه بحث.....	۳۰۹

۳۱۰	خودآزمایی
۳۱۱	موضوعات بیشتر برای پژوهش
۳۱۳	منابع

فصل اول

کلیات و مفاهیم

اهداف آموزشی

انتظار آن است که دانش‌پژوه با فراگیری این فصل

۱. به مفهوم جنبش و انواع آن آگاه شود.
۲. مرز معنایی جنبش و مفاهیم هم‌بسته آن را تشخیص دهد.
۳. به تفاوت جنبش اجتماعی با سایر مفاهیم هم‌بسته آگاهی پیدا کند.
۴. بتواند مراحل شکل‌گیری جنبش‌ها را تبیین کند.
۵. نسبت به ویژگی‌ها و کارکردهای جنبش‌ها شناخت پیدا کند.

۱. کلیات

گذشته انسان همواره شاهد تنش‌ها و درگیری‌های بی‌شماری بر سر کسب قدرت و منافع و بازگرداندن حق ازدست‌رفته افراد و جوامع در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بوده است. نتیجه این کوشش‌ها سبب شکل‌گیری انواع جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در طول تاریخ بوده است؛ بنابراین جنبش‌های اجتماعی همیشه در قلب زندگی اجتماعی جای داشته‌اند و وقایعی استثنایی و مهیج نیستند. به همین دلیل امروزه آلن تورن باور دارد جنبش‌های اجتماعی مهم‌ترین مبنای شناخت جامعه است. شاگرد وی، آلبرتو ملوچی نظریه‌پرداز جنبش‌های اجتماعی جدید، معتقد است که جنبش‌های اجتماعی پدیده‌هایی هستند که برای ایجاد دگرگونی اجتماعی، هم از طریق دولت و هم از طریق عملکردها و اقدامات جامعه مدنی در سیاست فرهنگی درگیر هستند.^۱

۱. تورن، جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی، ص ۱۴.

جنبش‌های مشخصی در جوامع باستانی وجود داشته است. از این دست جنبش‌ها، جنبش‌های اجتماعی بزرگی هستند که به رهبری پیامبران در کتاب‌های آسمانی به آن‌ها اشاره شده است. حرکت یهودیان از مصر به رهبری حضرت موسی علیه السلام و بازگشت آنان به سرزمین موعود و گسترش مسیحیت اولیه را می‌توان از جنبش‌های نخستین بشر بر روی کره زمین دانست. این جنبش‌های دینی، پارادایمی پایدار برای ظهور جنبش‌های اجتماعی، به خصوص جنبش‌های اجتماعی جدید در جوامع ارائه کرده‌اند و به وسیله مبلغان دینی و در ادامه با گسترش اسلام و مهاجرت یهودیان، به سنت‌های فرهنگی جوامع دیگر راه یافته‌اند.^۱

اندیشمندان بسیاری درباره موضوع‌ها و مسائلی نظیر عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی، مردمی کردن قدرت از طریق جنبش‌های اجتماعی پیش از دوران مدرن اندیشیده‌اند. مطالعاتی درباره جنبش‌های اجتماعی در جوامع پیشامدرن وجود دارد که ثابت می‌کند شورش‌های دهقانان، جنبش‌های صنفی، شورش‌های غذایی، جنبش‌های هزاره‌ای، جنبش‌های کاوشگران و شورش برای کسب حقوق اجتماعی و سیاسی ازدست‌رفته، پیش از شکل‌گیری جوامع صنعتی رخ داده‌اند؛ همچنین آثار برخی از جامعه‌شناسان، مانند چارلز تیلی^۲ و سیدنی تارو^۳ در دست است که سابقه جنبش‌های اجتماعی را حداقل به قرن هجدهم بازمی‌گردانند؛ اما بیشتر محققان، جنبش‌های اجتماعی را به مثابه پدیده‌ای کاملاً مدرن درک کرده‌اند و استدلال می‌کنند این فکر که «تغییر اجتماعی می‌تواند از طریق اراده انسان‌ها ایجاد شود»، اندیشه‌ای مدرن است که ریشه در مفاهیم روشنگری قرن هجدهم دارد.^۴

استفاده از کلمه «جنبش» برای اشاره به مطالبات و اعتراضات اجتماعی و سیاسی اولین بار در اوایل قرن نوزدهم در جوامع صنعتی ظاهر شد. تغییرات اجتماعی در مقیاس بزرگ و اشکال جدید پریشانی انسانی که با صنعتی شدن جوامع به وجود آمد منجر به ارزیابی مجدد معنای عباراتی مانند «سرمایه‌داری»، «ایدئولوژی»، «توده‌ها»، «فرهنگ»، «انقلابی» و بسیاری دیگر شد.^۵

1. Nicholas, "Social and Political Movements", p. 63.

2. Charles Tilly.

3. Sidney Tarrow.

۴. ر. ک: شیری، «تحلیل عصری؛ ابزاری تحلیلی در گونه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی»، صص ۲-۱۰.

5. Williams, *Culture and Society*, p. 16-17.

بنابراین «جنبش» برای توصیف واکنش‌های گروهی به بحران‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از شرایط کار کارخانه‌ای و زندگی شهری در طول انقلاب صنعتی استفاده شد.

جنبش روشنگری در قرن هجدهم تأثیر عمیقی بر توسعه اصول دموکراتیک، حقوق بشر و تفکیک قوا در غرب، به‌ویژه در آمریکا داشت. در سده‌های نوزدهم و بیستم، جنبش‌های اجتماعی در اروپا با تأثیر گرفتن از ایدئولوژی احزاب کارگری که نیروهای سنتی و رادیکال در جوامع اروپایی بودند، آغاز شدند و به سرعت پیش رفتند؛ اما جنبش‌های اجتماعی در آمریکا که کشوری تازه‌بنیان بود، مسیر دیگری را طی کرد. جنبش‌های اجتماعی در آمریکا از همگرایی تفاسیر مشترک اجتماعی و به هم پیوستن گروه‌هایی که به مسائل اجتماعی اعتراض داشتند، آغاز شد و فرایند سازمان‌یابی آن‌ها بدون وجود سلسله‌مراتب قدرت درون جنبش طی شد.^۱

در قرن نوزدهم با فراگیری صنعتی شدن در کشورهای غربی، کارگران با شرایط سخت کاری و استثمار روبه‌رو شدند. جنبش کارگری برای دفاع از حقوق کارگران، دستمزد عادلانه و بهبود شرایط کار در این قرن ظهور کرد. تلاش‌های اتحادیه‌سازی، اعتصاب‌ها و اعتراضات نقش مهمی در تأمین حمایت‌های کارگری و اصلاحات اجتماعی داشتند.

در اواخر سده بیستم، روند ظهور جنبش‌های اجتماعی در آمریکا وارد اروپای غربی شد و کم‌کم الگوی آمریکایی در جامعه مدنی اروپا و جنبش‌های اجتماعی آن رسوخ کرد.^۲ «جنبش‌های اجتماعی جدید» که از دهه ۱۹۶۰ در عرصه اجتماعی ظهور یافتند، عبارت‌اند از: جنبش دانشجویی، جنبش حقوق مدنی، جنبش زنان، جنبش زیست‌محیطی، جنبش صلح و اخیراً جنبش‌های ضدنژادپرستی و جنبش حقوق مردم بومی، جنبش‌های ضدسیاسی اروپایی.^۳ به عبارت رساتر دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شاهد ظهور مبارزه برای تحقق حقوق مدنی بود. جنبش‌های مشابهی نیز در سایر کشورهای غربی به وجود آمد. فعالان علیه تبعیض نژادی، جداسازی و نابرابری مبارزه کردند و خواهان حقوق و فرصت‌های برابر برای گروه‌های اقلیت بودند.

در همین قرن بیستم جنبش ضدآپارتاید در آفریقای جنوبی، حمایت و فعالیت چشمگیری

۱. ر. ک: شیری، «تحلیل عنصری: ابزاری تحلیلی در گونه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی»، ص ۲.

۲. همان.

3. Cf: Berger, "International Social Movements Before 1945". P. 1 - 37.

در کشورهای غربی به دست آورد. فعالان برای اعمال تحریم‌های اقتصادی، واگذاری سرمایه‌گذاری و تحریم‌ها به منظور تحت فشار قرار دادن دولت آفریقای جنوبی برای از بین بردن نظام نژادپرستانه‌اش مبارزه کردند. در همین دوران بود که در پاسخ به جنگ‌های ویرانگر جهانی و درگیری‌های بعدی، جنبش‌های صلح در سراسر جهان غرب ظهور کردند. از اواخر قرن بیستم به بعد جنبش‌ها چهره جدیدتری به خود گرفتند و برخلاف جنبش‌های اجتماعی سنتی که عمدتاً بر مبارزات طبقاتی و مسائل کارگری متمرکز بودند، «جنبش‌های اجتماعی جدید» با طیف وسیع‌تری از دغدغه‌ها، از جمله سیاست، هویت، تغییرات فرهنگی و فعالیت‌های زیست‌محیطی ظهور کردند و نقش مهمی در رسیدگی به چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تاکنون داشته‌اند؛ برای مثال جنبش حقوق اقلیت‌های جنسی^۱ از قرن بیستم تاکنون برای جرم‌زدایی از روابط هم‌جنس‌گرایان، قوانین ضد تبعیض، برابری ازدواج و پذیرش اقلیت‌های جنسی مختلف از سوی جامعه مبارزه کرده است.^۲

همگام با بروز تحولات سیاسی و اجتماعی در جوامع غربی و ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید، آن‌سوی جهان، یعنی جوامع شرقی نیز دستخوش تحولات اجتماعی شد. تاریخچه جنبش‌های اجتماعی در شرق متنوع و پیچیده است و بخشی از این پیچیدگی به دلیل قلمرو و گستردگی این نقطه از جهان و تنوع اعتقادی و ارزشی حکومت‌ها و جوامع آن است. از همین رو علل بروز جنبش‌های اجتماعی در این مناطق نیز متفاوت است؛ برای مثال جنبش استقلال هند و جنبش استقلال کره با هدف خاتمه دادن به حکومت‌های استعماری وقت صورت گرفتند. با این حال مسئله در کشورهای آفریقایی و خاورمیانه متفاوت است. برخی معتقدند توسعه اقتصادی ناموزون در برخی کشورهای عرب، موجب بروز طبقه متوسط جدیدی با خواسته‌های مدنی نظیر آزادی و حقوق شهروندی شد. برخی دیگر، بحران مشروعیت حاکمان سکولار عرب در کشورهای عربی این منطقه و دسته سوم نیز موج بیداری اسلامی و مبارزه علیه حکومت‌های فاسد و سرسپرده غرب را در بروز جنبش‌های اجتماعی در سال‌های اخیر در این منطقه مؤثر می‌دانند.

1. LGBTQ+ Rights Movement.

2. Belmonter, *The International LGBT Rights Movement: A History*, p.3.

جنبش‌های اجتماعی

جنبش‌های اجتماعی انواع مختلفی دارند و از جنبش‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی گرفته تا جنبش‌های جنسیتی را در بر می‌گیرند. جنبش‌های اقتصادی در پی بروز نارضایتی‌های عمومی از وضعیت اقتصادی و توزیع ناعادلانه ثروت و تضاد طبقاتی به وجود می‌آیند؛ برای مثال جنبش تسخیر وال استریت^۱ اعتراض گسترده علیه نابرابری اقتصادی و فساد قوانین شرکتی بود که از ۱۷ سپتامبر تا ۱۵ نوامبر ۲۰۱۱ در مرکز شهر نیویورک رخ داد. این جنبش در پی بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ و رکود بزرگ ناشی از آن در ایالات متحده رخ داد. در حالی که «جنبش‌های اجتماعی» به تلاش‌های هماهنگ گروه‌های رسمی برای ایجاد اصلاحات مشخص در قوانین و جامعه اشاره دارد، جنبش‌های فرهنگی را می‌توان تلاش‌های عمدتاً آگاهانه و نسبتاً جمعی گروه‌ها یا شبکه‌هایی از افراد در نظر گرفت که هدفشان ایجاد تغییرات تدریجی و ظریف در عادت‌ها و حساسیت‌هایی است که رفتار روزمره خود و دیگران را شکل می‌دهد. جنبش‌های فرهنگی، نه فرایندهای ناخواسته تغییر فرهنگی هستند و نه راهبردهای هدفمندی که از روش‌های فرهنگی برای اصلاحات اجتماعی یا قانونی استفاده می‌کنند، بلکه الگوهای هدفمند تحول فرهنگی هستند که از نوآوری‌ها و گسترش ایده‌های یک گروه محدود از اعضا یا یک پیشگام فرهنگی ناشی می‌شوند. شرکت‌کنندگان در این جنبش‌ها هویت‌های جمعی را حول یک برنامه مشترک شکل می‌دهند که بر بازتولید، نوآوری و گردش (و در برخی موارد نظارت) یک سبک فرهنگی متمرکز است. این سبک فرهنگی به مثابه یک شیوه زندگی، شیوه‌ای از عمل و تجربه جهان و روشی برای ارتباط با خود و دیگران درک می‌شود. جنبش‌های فرهنگی اغلب در پاسخ به مسائل اجتماعی یا سیاسی ظهور می‌کنند و هدفشان به چالش کشیدن سنت‌های تثبیت‌شده، ترویج ایده‌های جدید و تغییر شکل بیان‌های فرهنگی است؛^۲ برای مثال جنبش «نسل بیت»^۳ یک جنبش ادبی و هنری در ایالات متحده در دهه ۱۹۵۰ بود که می‌خواست ارزش‌ها و هنجارهای جریان اصلی را از طریق آثار ادبی خود به چالش بکشد.

1. Occupy Wall Street (OWS).

2. Binkley, "Cultural movements and the sociology of culture: The case of political consumerism", p.649.

3. Beat Generation.

جنبش سیاسی تلاش جمعی گروهی از مردم برای تغییر خط‌مشی دولت یا ارزش‌های اجتماعی است.^۱ جنبش ضد جنگ^۲ و جنبش ضد جهانی شدن^۳ را می‌توان مثال‌هایی از جنبش‌های سیاسی دانست.

سرانجام جنبش جنسیتی^۴، متضمن تلاش‌های جمعی با هدف رسیدگی و به چالش کشیدن نابرابری‌های جنسیتی و ارتقای حقوق و فرصت‌های برابر برای افراد از هر جنسیت اشاره دارد. برای مثال جنبش‌های فمینیستی^۵، LGBTQ+ و جنبش مردان^۶ نمونه‌هایی از جنبش‌های جنسیتی محسوب می‌شوند.

ویژگی‌ها

امروزه جنبش‌های اجتماعی به بخش تشکیل‌دهنده جوامع معاصر تبدیل شده‌اند و به‌طور ویژه جوامع دموکراتیک زیرساخت‌های سیاسی، امکان شکل‌گیری جنبش‌ها و ابراز آزادانه آن‌ها را فراهم می‌کند. جنبش‌های اجتماعی، عرصه سیاسی خاصی را تشکیل می‌دهند که در آن شهروندان می‌توانند صدای خود را به گوش صاحبان قدرت برسانند و سعی کنند بر آنان تأثیر بگذارند. آن‌ها کانال نفوذ مستقیم‌تری محسوب می‌شوند^۸ و می‌توانند منشأ تحولات عظیم در جامعه شوند. از این حیث لازم است ویژگی‌های جنبش‌های اجتماعی تبیین شوند تا از این رهگذر، شناخت جامع‌تری از آن‌ها حاصل شود. همه جنبش‌ها یک رشته اهداف مشترک، یک برنامه اجرایی برای رسیدن به اهداف و از یک ایدئولوژی یا فلسفه‌ای برخوردارند که وجود جنبش را توجیه می‌کند.

اهداف مشترک: هر جنبشی یک رشته هدف‌های کاملاً مشخص و جاافتاده دارد. موفقیت یک جنبش اجتماعی منوط به این است که خواسته‌هایش را به‌عنوان اهداف خود تعیین کند.

-
1. Meyer, *Coalitions & Political Movements: The Lessons of the Nuclear Freeze*, pp. 164–166.
 2. Anti-war movement.
 3. Anti-globalization movement.
 4. Gender movement.
 5. Feminist movements.
 6. Lesbian, gay, bisexual, transgender, queer or questioning, intersex, asexual, and more.
 7. Men movement.
 8. Giugni, and Grasso, "Social Movements", p.1.

جنبشی که هدفش بهبود وضعیت اقتصادی، رفاهی، اجتماعی، فرهنگی گروهی از مردم است، تغییرات مدنظر خود را به عنوان اهداف خود تعیین می‌کند.

داشتن برنامه‌های اجرایی و خط‌مشی برای تحقق اهداف: برنامه‌های لازم برای تحقق اهداف جنبش‌ها ممکن است طیف وسیعی داشته باشند و از اعتصاب مسالمت‌آمیز تا تخریب اموال عمومی را در بر می‌گیرند.^۱ آنچه برای یک جنبش مهم است تعیین خط‌مشی و برنامه اجرایی جنبش است.

ایدئولوژی: ایدئولوژی به مثابه دستورالعمل جنبش که از اوضاع اجتماعی انتقاد می‌کند و روش‌های دستیابی به هدف‌ها را نیز روشن می‌سازد، دیگر ویژگی مهمی است که بر آن تأکید می‌شود.^۲ ایدئولوژی عاملی است که اعضای جنبش را گرد هم می‌آورد. ایدئولوژی، مجموعه باورهایی است که یک نظام اجتماعی بالفعل یا بالقوه را توجیه می‌کند یا مشروعیت می‌بخشد. کارکرد ایدئولوژی از دو جهت است: انتقاد از اوضاع و احوال اجتماعی موجود و تبیین هدف‌های جنبش و روش‌های دستیابی به آن‌ها.^۳

مردمی بودن: جنبش اجتماعی به حرکتی مردمی در برابر قدرت‌های سرکوبگر اطلاق می‌شود که با پایان جنگ جهانی دوم و گسترش رسانه‌های ارتباطی، بلوک‌بندی‌های سیاسی و اقتصادی، آگاهی مناطق مستعمره و تلاش برای رهایی از استعمار در برخی از مناطق جهان رو به گسترش نهاد.^۴

به‌کارگیری برخی روش‌های غیرنهادینه: اکثر دانشمندان حوزه جنبش‌های اجتماعی، یک‌صدا بر این باورند که جنبش‌های اجتماعی، «تلاش‌های جمعی مدت‌دار و دارای سازمان‌دهی هستند که از روش‌های غیرنهادینه بهره می‌برند تا موجب تغییر اجتماعی شوند». برخی این نکته را می‌افزایند که جنبش‌ها اغلب از روش‌های نهادینه از جمله لابی‌گری قانونی استفاده می‌کنند؛ اما بر این مسئله اتفاق نظر دارند که جنبش‌ها باید حداقل از برخی روش‌های غیرنهادینه استفاده کنند تا واجد عنوان جنبش اجتماعی شوند.^۵

۱. کوئن، درآمدی به جامعه‌شناسی، ص ۳۳۷.

۲. همان.

۳. همان، صص ۳۳۷-۳۴۱.

۴. تیلی، «جنبش‌های اجتماعی»، ص ۱۱.

برای مثال می‌توان این ویژگی‌ها را بر جنبش دفاع از حقوق زنان انطباق داد. جنبش دفاع از حقوق زنان، رفع تبعیض درباره زنان را به‌عنوان هدف مشخص در دستور کار خود قرار داده است. اعضای این جنبش برای تحقق این هدف، برنامه‌های اجرایی و خط‌مشی مشخصی تنظیم کرده‌اند؛ برای مثال همواره به زنان گوشزد می‌کنند که تبعیض زنان، منشأ تاریخی دارد و سکوت در برابر آن بیش از این جایز نیست. خط‌مشی این جنبش، تنظیم قوانینی در جهت احقاق حقوق زنان است. ایدئولوژی پشتیبانی‌کننده از این اهداف تأکید می‌کند این حق زنان است که با آن‌ها منصفانه رفتار شود، استعدادهایشان شکوفا گردد و چگونگی زندگیشان را خود تعیین کنند.^۱

مراحل

جامعه‌شناسان چرخه حیات جنبش‌ها، یعنی چگونگی ظهور، رشد و در برخی موارد از بین رفتن آن‌ها را مطالعه و تبیین‌های مختلفی از آن ارائه کرده‌اند. یکی از قدیمی‌ترین تبیین‌ها مربوط به بلومر^۲ در سال ۱۹۶۹ و تیلی^۳ در سال ۱۹۷۸ است که یک فرآیند چهار مرحله‌ای را برای رشد و تکوین جنبش‌های اجتماعی ترسیم کرده‌اند: در مرحله مقدماتی مردم از یک موضوع آگاه می‌شوند و رهبران ظهور می‌کنند. به دنبال آن مرحله ادغام می‌آید که افراد باهم متحد و سازمان‌دهی می‌شوند تا موضوع را عمومی کنند و آگاهی توده مردم را افزایش دهند. در مرحله نهادینه‌سازی، جنبش دیگر نیازی به داوطلب مردمی ندارد؛ زیرا به یک سازمان مستقر با کارکنان حقوق‌بگیر تبدیل شده است. سرانجام وقتی مردم جنبش جدیدی را می‌پذیرند، جنبش، تغییری را که به دنبالش بود، با موفقیت ایجاد می‌کند یا زمانی که مردم دیگر موضوع را جدی نمی‌گیرند، جنبش به مرحله افول می‌رسد.^۴

در تبیین دیگری از مراحل شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی، بیشتر جنبش‌های اجتماعی چهار مرحله مشابه را پشت سر می‌گذارند:

۱. کافی، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۲۶۷.

2. Blumer, "Collective Behavior", p. 67-121.

3. Cf: Tilly, *From Mobilization to Revolution*. P. 52 - 90.

4. Little and McGivern, *Introduction to Sociology*, p. 992.

۱. **مرحله ناآرامی:** در این مرحله مردم در اثر رفتار نامناسب حاکمان ناخرسند می‌شوند؛ مردم آگاه می‌شوند که با آن‌ها رفتار منصفانه‌ای نشده است و برای همین ناخرسندند؛ همچنین در این مرحله مردم به این نتیجه می‌رسند که نمی‌توانند به‌صورت فردی مسائل را حل کنند. این مرحله می‌تواند سال‌ها طول بکشد.

۲. **مرحله تحریک و تجمع:** پس از آنکه توجه افراد به اوضاع ناامن جلب شد، مردم گرد هم جمع می‌شوند. در این مرحله رهبران خودجوش ظهور می‌کنند و مردم را به واکنش در مقابل نظام تحریک می‌کنند. رهبران مردم را آگاه می‌کنند که تنها آن‌ها نیستند که احساس بی‌عدالتی می‌کنند و همه کسانی که ستم دیده‌اند، می‌توانند برای رفع ستم با یکدیگر متحد شوند. همین‌که مردم می‌فهمند راه‌هایی برای حل مسائلشان وجود دارد، تحریک می‌شوند. همین تحریک آن‌ها را تشویق به وحدت می‌کند و به‌سوی جنبش سوق می‌دهد، شور و شوق افراد را حفظ می‌کند و آن‌ها را وادار می‌کند برای حل مسائلشان با همدیگر همکاری کنند.

۳. **مرحله تشکیل:** بیشتر جنبش‌ها در مرحله پیدایش، خودجوش و عاطفی‌اند؛ اما با پشت سر گذاشتن مراحل مختلف و رشد جنبش‌ها، رفتار اعضا هماهنگ می‌شود و به هر یک از آن‌ها نقش ویژه‌ای واگذار می‌گردد و سازمان رسمی با سلسله‌مراتب رسمی پدید می‌آید. در این مرحله اهداف به‌طور رسمی مشخص می‌شود و رهبران جنبش به‌وسیله اعضای جنبش برگزیده می‌شوند. در این زمان رهبران اجرایی باید جای رهبران فرهنگ‌درا را بگیرند. یکی از مهم‌ترین کارهایی که در این مرحله انجام می‌شود، روشن ساختن ایدئولوژی جنبش برای اعضای آن است.

۴. **نهادینه شدن:** اگر جنبش در جذب هوادار و جلب پشتیبانی مردمی موفق شود، نهادینه خواهد شد. در این مرحله دیوان‌سالاری جنبش نیز شکل می‌گیرد و رهبران منظم و منضبط اجرایی جای شخصیت‌های فرهنگ‌درا را می‌گیرند. اگر جنبشی نتواند از پشتیبانی مردم برخوردار شود، بودجه کافی برای فعالیت‌هایش فراهم نمی‌شود و در نتیجه به‌مرور زمان از بین می‌رود.^۱

مشابه مراحل فوق را در مراحل بروز انقلاب نیز می‌توان دید. در مرحله نهفتگی یا کمون، بذر انقلاب کاشته می‌شود. این مرحله می‌تواند شامل نارضایتی فزاینده از وضعیت موجود،

1. Tilly, Social Movements 1768-2004, p. 129-130.

ظهور ایده‌های جدید یا احساس ناخوشایندی عمومی در میان مردم باشد. در مرحله بعد که مرحله تعدیل نام دارد، یک سری اصلاحات و تغییرات سیاسی با هدف رسیدگی به نارضایتی‌هایی که جرقه انقلاب را آغاز کردند در دستور کار قرار می‌گیرد. این مرحله ممکن است با اعطای امتیازاتی از سوی صاحبان قدرت مشخص شود؛ زیرا آن‌ها به دنبال آرام کردن نیروهای انقلابی هستند. میانه‌روهای درگیر در جنبش به دنبال تغییر در درون نظام سیاسی موجود هستند. در مرحله رادیکال‌سازی، گروه‌های افراطی ظهور می‌کنند که اغلب از ایدئولوژی‌های افراطی تری نسبت به میانه‌روها حمایت می‌کنند. این گروه‌ها سازش و مذاکره با رژیم موجود را رد می‌کنند و خواستار تغییرات عمیق‌تر هستند که می‌تواند منجر به خشونت و دوقطبی شدن سیاسی شود. پایان انقلاب ممکن است با پیروزی یا شکست برای نیروهای انقلابی رخ دهد. انقلاب در صورت موفقیت منجر به نظم اجتماعی و حکومت جدید می‌شود و در صورت عدم موفقیت، وضعیت موجود استمرار می‌یابد.^۱

کارکردها

جنبش‌ها معمولاً کارکردهای متفاوتی دارند. یکی از کارکردهای جنبش‌های اجتماعی موفق، نهادینه کردن برنامه‌هایی است که مزایای برابری را برای بسیاری از گروه‌های مورد تبعیض فراهم کرده‌اند. همچنین جنبش‌های اجتماعی توانسته‌اند منجر به تصویب قوانینی شوند که برای میلیون‌ها انسان، زندگی نوین و بهتری را به بار آورده‌اند؛^۲ برای مثال فارغ از درستی و نادرستی آن، جنبش فمینیسم در جوامعی که حقوق زنان رعایت نمی‌شده است، با کارکرد ایجاد و افزایش آگاهی‌های جمعی درباره جایگاه و حقوق زنان، منجر به تغییرات گسترده‌ای از جمله حضور زنان در عرصه‌های عمومی، ورود به مناصب دولتی، برخورداری از حق رأی و سایر حقوق مدنی و عضویت در پارلمان‌ها و نهادهای دولتی و قضایی در جوامع غربی شد. اگر دوره‌های مختلف تاریخ فکری و اجتماعی را باهم مقایسه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که نگرش به جنبش‌های اجتماعی قبل و بعد از دهه ۱۹۶۰ کاملاً متفاوت بوده است؛ جنبش‌های اجتماعی قبل از دهه شصت، عمدتاً به مثابه نیروهای اخلاک‌گرا شناخته می‌شدند؛

۱. ر. ک: بریتون، کالبدشکافی چهار انقلاب.

۲. کوئن، درآمدی به جامعه‌شناسی، ص ۳۴۲.

حتی جنبش‌های لیبرال در بهترین حالت فقط می‌توانستند ادعا کنند که اعتراضاتشان ممکن است به انسجام اجتماعی کمک کند. برعکس، مشخصه جنبش‌های اجتماعی پس از دهه شصت، تقابل با فرهنگ و جست‌وجوی شکل‌های «جایگزین» برای زندگی اجتماعی و فرهنگی بود.^۱

۲. مفاهیم

فهم معنا، مصادیق و گستره مفاهیم پایه در هر بحث، مدخل ورود به مباحث اصلی به شمار می‌رود. نهاد اجتماعی، رفتار جمعی، اعتراض، اغتشاش، خشونت، شورش و خرابکاری از جمله مفاهیمی هستند که ارتباط نزدیکی با جنبش اجتماعی یا رابطه عام و خاص با آن دارند. از منظر نظریه‌پردازان همه این مفاهیم (به جز نهاد اجتماعی)، به نوعی در مفهوم جنبش‌های اجتماعی جای دارند؛ به طوری که یا جزء آن هستند یا ذیل یکی از کنش‌های جمعی جای می‌گیرند. با این حال لازم است مرز معنایی آن‌ها از جنبش اجتماعی مشخص شود. در ادامه، مهم‌ترین مفاهیم نزدیک به جنبش اجتماعی تعریف و مقایسه می‌شوند.

نهاد اجتماعی

جنبش و نهاد اجتماعی^۲ دو مفهوم متمایز هستند که اهداف متفاوتی را در جامعه دنبال می‌کنند. نهاد، نظامی نسبتاً پایدار و سازمان‌یافته از الگوهای اجتماعی است که برخی رفتارهای نظارت‌شده و یکسان را با هدف برآوردن نیازهای اساسی جامعه دربر می‌گیرد.^۳ جنبش‌ها تلاش‌های جمعی پویایی هستند که برای به چالش کشیدن هنجارهای اجتماعی و ایجاد تغییرات اجتماعی پدیدار می‌شوند؛ درحالی‌که نهادهای اجتماعی ساختارهایی در درون جامعه هستند که کارکردهای خاصی را انجام می‌دهند و ثبات را فراهم می‌کنند.

1. Touraine, "An Introduction to the Study of Social Movements", p. 749.

2. Social institution.

۳. کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۱۹.

رفتار جمعی

رفتار جمعی،^۱ عبارت است از «الگوهای رفتاری بی‌ساختار، خودانگیخته، هیجانی و پیش‌بینی‌ناپذیر. افرادی که از رفتار جمعی پیروی می‌کنند، در برابر محرک خاصی که ممکن است شخص دیگر یا حادثه معینی باشد، واکنش نشان می‌دهند».^۲ رفتار جمعی، یک اصطلاح کلی برای هر فعالیتی است که به وسیله تعداد زیادی از افراد انجام می‌شود که برنامه‌ریزی نشده، ناهماهنگ و اغلب مخل است و به‌عنوان نتیجه تعامل ضمنی و نه سازمانی رسمی عمل می‌کند.^۳ رفتار جمعی می‌تواند اشکال مختلفی مانند شورش، وحشت و ... داشته باشد و به‌طورکلی با فقدان سازمان، ساختار یا اهداف رسمی مشخص می‌شود.

رابطه جنبش اجتماعی و رفتار جمعی از نوع تباین است. جنبش نوعی رفتار اجتماعی سازمان‌دهی شده و آگاهانه گروهی از افراد است که به‌منظور ایجاد تغییرات اجتماعی یا پیشبرد یک هدف یا برنامه خاص در مقطعی از زمان شکل می‌گیرد. جنبش‌های اجتماعی با شکل‌های ابتدایی رفتار جمعی از قبیل آشوب متفاوت‌اند؛ زیرا رفتار جمعی به آن نوع رفتار گروهی گفته می‌شود که بدون ساختار، خودانگیخته، عاطفی و پیش‌بینی‌ناپذیر باشد؛^۴ حال آنکه جنبش‌های اجتماعی سازمان‌یافته و پایدار می‌باشند.

اعتراض

درحالی‌که جنبش به تلاش جمعی گسترده‌تر از سوی گروهی از افراد یا سازمان‌ها اطلاق می‌شود که به‌دنبال ایجاد تغییرات اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی هستند، اعتراض،^۵ اقدام یا رویدادی خاص در دل یک جنبش است. اعتراض در واقع بیان متمرکزتر و مشخص‌تر مخالفت است که معمولاً شامل تظاهرات عمومی، راهپیمایی‌ها یا سایر اشکال اقدام جمعی می‌شود. اعتراض نوعی کنش سیاسی است که ویژگی آن نمایش‌های غیرعادی می‌باشد که گروه‌های تقریباً بی‌قدرت آن را انجام می‌دهند. اعتراض، صورتی غیردائمی‌تر از رفتار جمعی است که به شکل

1. Collective behavior.

۲. کوئن، همان، ص ۳۲۳.

3. Turner and Killian, *Collective behavior*, p. 16.

۴. کافی، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۲۵۳.

5. Protest.

خودجوش، برنامه‌ریزی نشده و مقطعی صورت می‌گیرد.^۱ اعتراض می‌تواند شاخص ضعیفی از حیات یا وجود جنبش باشد.^۲

اغتشاش

اعتراض، تظاهرات عمومی سازمان‌دهی شده‌ای است که معمولاً در مخالفت با برخی قوانین، سیاست‌ها، ایده‌ها یا وضعیت‌ها صورت می‌گیرد؛ درحالی‌که اغتشاش،^۳ شامل برهم زدن آرامش ایجادشده، به‌وسیله تجمعی از افراد است. معمولاً چند نفر به‌طور محدود با هدفی مشترک و به شیوه‌ای خشونت‌آور و آشوب‌آمیز برای ایجاد وحشت عمومی اقدام می‌کنند.^۴ اغتشاش عمومی شامل رفتار یا اعمال خشونت‌آمیز از سوی چند نفر است که باید با یک خطر آشکار همراه باشد و منجر به آسیب یا صدمه به اموال دیگران شود.^۵

از اینجا تفاوت این اعتراض و اغتشاش با جنبش اجتماعی مشخص می‌شود. جنبش اجتماعی ممکن است شامل اعتراض یا اغتشاش نیز باشد، اما اساساً با هدف کشاندن اعتراض به اغتشاش و خرابکاری، طراحی نشده‌اند.

خشونت

خشونت^۶ در اصطلاح علوم سیاسی، اشاره به حملات جمعی در درون یک اجتماع سیاسی علیه رژیم سیاسی و کنشگران و سیاست‌های آن دارد که برای دستیابی به اهداف سیاسی انجام می‌شود و با تخریب فیزیکی یا تهدید همراه است.^۷ جنبش‌های اجتماعی اغلب با تنوع تاکتیکی روبه‌رو هستند و ممکن است شامل خشونت نیز باشند. در جنبش‌های غیرخشونت‌آمیز، برخی

۱. مشیرزاده، از جنبش تا نظریه اجتماعی، ص ۱۲.

2. Melucci, *Nomads of the Present*, p. 44.

3. Riot.

4. Merriam-Webster's Dictionary of Law.

5. Krasne, *Applying the Anti-Riot Act: F Applying the Anti-Riot Act: From ANTIFA to Insurrectionists*, p.148.

6. Violence.

7. Gurr, T. R. *Why men Rebel*, p.3-4.

از گروه‌ها یا جناح‌های رادیکال ممکن است به اقدامات خشونت‌آمیز، مانند شورش خیابانی متوسل شوند. انتظار می‌رود که افراد در صورت به‌کارگیری تاکتیک‌های خشونت‌آمیز، کمتر از جنبش‌های اجتماعی حمایت کنند.^۱

شورش و خرابکاری

خرابکاری^۲ به اقداماتی گفته می‌شود که شامل تخریب یا آسیب‌رساندن عمدی به اموال عمومی یا خصوصی است. جامعه‌شناسان بر این واقعیت تأکید کرده‌اند که خرابکاری، یک رفتار اجتماعی است؛ زیرا معمولاً از سوی گروه‌ها انجام می‌شود تا افراد به‌تنهایی و بیانگر نوعی شورش علیه اقتدار بالغ و نهادی است.^۳ شورش عبارت است از اقدام همراه با خشونت دسته‌ای از افراد که در مقابله با نظام حاکم بر هر مجموعه‌ای اتفاق می‌افتد و همواره به دنبال آن بی‌نظمی و ناامنی پدید می‌آید.^۴

جنبش‌ها ممکن است گاهی اوقات شامل تاکتیک‌های مخرب یا آشفته به‌عنوان بخشی از استراتژی‌های گسترده‌تر خود باشند، اما اساساً با شورش^۵ و خرابکاری متفاوت‌اند. جنبش‌ها هدف مشخصی دارند؛ درحالی‌که شورش و خرابکاری با فقدان ساختار یا سازمان مشخص می‌شود. شورش، ممکن است موجب ایجاد تغییراتی در سیاست‌ها، رهبری و یا نهادهای سیاسی جامعه شود؛ ولی ساختار و ارزش‌های مسلط سیاسی و اجتماعی را دگرگون نمی‌سازد. هدف شورش، تنها نفس تغییر است، بدون آنکه جایگزینی در نظر داشته باشد.^۶

جنبش

تعریف‌های متعددی از مفهوم جنبش و اقسام آن در آراء اندیشمندان به چشم می‌خورد. جنبش

1. Muñoz, and Anduiza, "If a fight starts, watch the crowd": The effect of violence on popular support for social movements", p. 1.

2. Vandalism.

3. Levy-Leboyer, "Vandalism and the social science", p. 4.

۴. پناهی، نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها، ص ۱۱۲.

5. Rebellion.

۶. محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، ص ۱۶۲.

می‌تواند انواع و ابعاد مختلفی داشته باشد و شامل حرکت‌هایی با اهداف انقلابی و اصلاحات اساسی و ساختاری تا نهضت‌ها و حرکت‌های جمعی باهدف اصلاحات جزئی باشد.^۱ جنبش اجتماعی از عوامل مهم دگرگونی و تغییرات اجتماعی تلقی می‌شود.^۲ توافقی تقریباً کلی وجود دارد که جنبش‌های اجتماعی باید نوع خاصی از درگیری‌های اجتماعی در نظر گرفته شوند؛ باین حال مرز مشخصی بین مفهوم جنبش اجتماعی و مفاهیم هم‌بسته آن نظیر نهاد اجتماعی، رفتار جمعی، اغتشاش و اعتراض و خرابکاری در علوم اجتماعی وجود دارد. مفهوم جنبش اجتماعی، مانند بسیاری از مفاهیم در علوم اجتماعی، فقط بخشی از «واقعیت» را توصیف می‌کند و «عنصری از شیوه خاص برساخت واقعیت اجتماعی محسوب می‌شود».^۳

در اصطلاح علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی، «جنبش» پدیده‌ای اجتماعی است که می‌تواند در ابعاد و اندازه‌های گوناگون به تغییر در ترکیب‌بندی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی بینجامد.^۴ از منظری دیگر، «جنبش» را می‌توان بسان واکنش به‌نوعی حس بی‌عدالتی قلمداد کرد که مبتنی بر ایدئولوژی معینی است و همین ایدئولوژی، مبنای بسیج نیروها و تعهد به اهداف و عقاید جنبش را تضمین می‌کند.^۵ براین اساس جنبش، بسیج هواداران یک ایدئولوژی خاص علیه قدرت‌های سرکوبگر و در واکنش به بی‌عدالتی‌های اجتماعی محسوب می‌شود. در تعریفی دیگر می‌توان جنبش‌ها را نوعی همبستگی و توافق جمعی دانست که حول معانی و ارزش‌های مشترک تشکیل شده و برای رسیدن به اهداف خود استمرار می‌یابد.^۶ در این معنا نیز مسئله محوری جنبش‌های اجتماعی به بسیج منابع مربوط می‌شود که به هدف تغییر یا همبستگی و توافق حول معانی و ارزش‌های مشترک، ایجاد شده است.

همچنین در تعریف جنبش آمده است: گروهی از مردم که سازمان‌دهی شده‌اند، دارای انگیزه ایدئولوژیک هستند، متعهد به هدفی هستند که متضمن نوعی تغییر فردی یا اجتماعی است،

۱. واژی، «فمینیسم: زشت و زیبا»، ص ۲۱.

۲. کاروانی و زاهد زاهدانی، «بررسی جامعه‌شناختی جنبش‌های اجتماعی قومی در بلوچستان ایران در دوره پهلوی»، ص ۱۹۱.

3. Touraine, "An Introduction to the Study of Social Movements", p.749.

۴. واژی، «فمینیسم: زشت و زیبا»، ص ۲۱.

۵. لانرا، جنبش‌های نوین اجتماعی، ص ۱۶.

۶. رهبری، جنبش‌های اجتماعی، ص ۱۳.

فعالانه درگیر جذب دیگران هستند و نفوذشان در مخالفت با نظم مستقر در حال گسترش است.^۱

در بررسی تعاریف متعدد جنبش و مؤلفه‌های آن، با قرار دادن مفهوم جنبش ذیل مفهوم عام‌تر اعتراض، می‌توان جنبش را این‌گونه تعریف کرد: «اعتراض یا جنبش، کنش مشترک افرادی است که هدفشان، دستیابی به مقاصد و اهداف خویش از طریق تأثیرگذاری بر تصمیم‌های یک مرجع یا هدف است».^۲

در تعریفی دقیق‌تر از پدیده جنبش می‌توان گفت در جامعه‌ای که سنت بر فناوری مسلط است، مردم راه خود را در امور اجتماعی‌شان به آهستگی تغییر می‌دهند. در مقابل «وقتی تغییرات در رویه‌های فنی به‌طور منظم روی می‌دهد و بخش‌های عظیمی از جامعه از آن استقبال می‌کنند، جنبش‌های اجتماعی شکوفا می‌شوند». در این تعریف تأکید می‌شود که این لزوماً به معنای تعیین‌گرایی فناورانه نیست و هر دو تغییر می‌توانند از عامل فرهنگی مشترک بنیادینی ناشی باشند.^۳

جنبش‌ها در عین برخورداری از وجوه تشابه، تفاوت‌هایی نیز با سایر اشکال کنش‌های جمعی دارند. تفاوت یک جنبش با حزب سیاسی آن است که جنبش در مقایسه با حزب، کمتر سازمان‌یافته و عضویت در آن نامنظم و غیررسمی است. احزاب سیاسی جهت حفظ یا کسب قدرت سیاسی به‌طور مستقیم درگیر مبارزات سیاسی هستند؛ درحالی‌که جنبش‌های اجتماعی بیشتر به‌صورت پراکنده عمل می‌کنند، مشروعیت نظام موجود را مورد تردید قرار می‌دهند و با ایجاد جو عقیدتی متفاوت، راه‌حل‌های جدیدی را برای مسائل و ناسازگاری‌های اجتماعی ارائه می‌دهند.^۴

انقلاب

جنبش با انقلاب متفاوت است. انقلاب، بارزترین و مؤثرترین شکل کنش سیاسی غیرمتعارف و به معنای برانداختن نظم سیاسی موجود به دست جنبش مردمی و توده‌ای و با توسل به زور و

1. Gerlach and Hine, *People, Power, Change*, p.15.

۲. دیتراپ، جنبش اجتماعی و اعتراض سیاسی، صص ۸۱ و ۸۴.

۳. مشیرزاده، از جنبش تا نظریه اجتماعی، ص ۱۷.

۴. محمدی، «جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی»، ص ۱۷۳.